

امتیازهای اعطایی صفویان به هیأت‌های تبلیغی

• سید محمد حسین مرعشی

■ امتیازهای اعطایی صفویان به هیأت‌های تبلیغی (سندهای منتشر نشده)

■ فرانسیس ریشار

آمده بودند. آرامنهٔ نخجوان، مطرانی برای اجرای مراسم دینی خود داشتند، کاتولیک‌های آیین لاتین، تا ۱۶۴۰، هنگامی که نخستین اسقف اعظم، برناردوسن ترز به اصفهان آمد و تا ۱۶۴۲ در آنجا مقیم شد، خلیفه‌ای نداشتند. پس از او و چهل سال بعد، فرانسوا پیکه (F. Piquet)، به پایتخت صفویان قدم گذارد. تا زمان نادر شاه افشار کسی برای جانشینی او به ایران نیامد. پیکه، هم اسقف بود و هم سفیر فرانسه در اصفهان.

نخستین هیأت تبلیغی اروپایی، اگوستن‌های پرتغالی بودند که در سال ۱۶۰۳، در خانه‌ای کنار مسجد جامع اصفهان مستقر شدند. در این تاریخ، پرتغالی‌ها در آسیا قدرتمند و همیشه از حمایت‌های محبت‌آمیز شاه ه برخوردار بودند؛ البته به استثنای دوران خصومت ایران و پرتغال. تعداد هیأت اگوسیتنی که در آغاز کار، بسیار موفق به نظر می‌رسید، از اواسط سده هفدهم تا اواسط سده هجدهم که کشور را ترک کرد، به مرور، کاسته می‌شد. و عده‌ای که باقی ماندند، اغلب منزلت اجتماعی پستی داشتند. یکی از این افراد، در پایان سده هفدهم، به اسلام گروید، دو رساله فارسی در دفاع از شیعه و رد بر مذهب کاتولیک نگاشت و نام علی‌قلی را برگزید و به جای رافائل دومانس، مترجم سلطنتی شد. افول هیأت اگوسیتنی پرتغالی در ایران، با افول امپراتوری پرتغال در هند و خاور دور مصادف بود.

کرملی‌ها، در ۱۶۰۷، با عنوان فرستادگان پاپ به ایران آمدند و در خانه‌ای واقع در میدان میر اصفهان، که به دربار تعلق داشت، منزل گرفتند.

این هیأت ویژگی بین‌المللی داشت، بدین معنا که اعضای آن از همهٔ ملت‌های اروپایی تشکیل شده بودند. آنها پیش از عزیمت به ایران، در کالج سانتا ماریا دلا اسکالا (Sta Maria)

یکی از موارد بسیار قابل ملاحظه در مورد حضور اروپائیان، در پایتخت جدید ایران، اصفهان، هیأت‌های تبلیغی کاتولیکی اعزام شده از کشورهای فرنگ، در دوران شاه عباس اول، با استقرار نخستین گروه از اگوستن‌های پرتغالی در سال ۱۶۰۳ به‌شمار می‌رود. این کشیش‌ها (در زبان فارسی مانند زبان پرتغالی پادری (Padri) خوانده می‌شوند) که از فرنگستان آمده بودند، در نزدیک شدن روابط ایران و اروپا نقش پراهمیت و غیرقابل چشم‌پوشی به عهده داشتند. در عین حال، دوگانگی‌هایی در نقش آن‌ها، به عنوان سفیران و نمایندگان دایمی رهبران کاتولیک اروپا و وظیفه تبلیغی مورد علاقه‌شان، برای معتقد ساختن مقامات و مردم کشورهای مقیم به مذهب کاتولیک، وجود داشت. در اینجا به‌طور خلاصه به وضعیت گروه‌های عمده کاتولیک که در ایران عهد صفوی وجود داشت، می‌پردازیم.

موردی که در آغاز باید بدان پرداخت، آرامنه نخجوان است که از ۱۳۳۰، با کاتولیک‌ها کلیسای مشترک داشتند و راهبان آنها با دومنیکن‌ها در ارتباط بودند.

ارامنه ایران که رعایای شاه محسوب می‌شدند، به دستور شاه عباس ناگزیر از کوچ اجباری شدند و مالیات‌های سنگینی نیز بر آنها تحمیل شد. قصد بسیاری از فرستادگانی که در سده هفدهم، از اروپا به ایران اعزام شدند، معتدل ساختن شاه نسبت به ایشان بود.

جمعیت آرامنه، در این قرن، رو به کاهش گذارد. اکثر آنها به خارج از ایران و بیشتر به ازمیر مهاجرت کردند. در این سال‌ها (۱۶۸۵ میلادی)، کشیشی به نام لوک دابرانز (Luc d'Abbraner)، کلیسایی در جلفای جدید اصفهان بنا نهاد. دیگر گروه‌های مسیحی که از اروپا یا هند پرتغال به ایران



در شهر رم برای آماده شدن جهت مأموریت خود در ایران، آموزش‌هایی را گذرانده بودند.

کرملی‌ها، در آغاز، به مأموریت خود در اصفهان بسیار امیدوار بودند. آنها درصدد بودند برای پیروزی مسلم علیه عثمانی‌ها، اتحاد مستحکمی با شاه عباس برقرار کنند. نیز، امید داشتند بتوانند شاه عباس را به مذهب کاتولیک معتقد گردانند.

ولی خیلی زود دریافتند که هر چند او این اتحاد را می‌پذیرد و حتی به آن امید دارد، اما نسبت به تغییر مذهب مسلمانان، به شدت بدگمان است و هیچ علاقه‌ای ندارد که ارمنیان ایران با کلیسای رم متحد شوند. او ترجیح می‌داد مقام مذهبی ارمنیان را خود انتخاب کند تا تابع دستورات او باشد.

رفتار شاه با کرملیان، همیشه خوب بود. این وضع تا هنگامی دوام یافت که آنان در اواسط سده هجدهم خانه‌های خود را در اصفهان و شیراز را ترک کردند (امام‌قلی آن‌ها را وادار کرد به آنجا بازگردند). در سده هفدهم، دو شاگرد برجسته کرملی تربیت شده بودند، یکی پیشوای مذهبی آتی ارامنه، ژاک چهارم جلفا، که به اعتقاد کشیش آنژدوسن ژوزف (Ange de st. Joseph) از شاگردان واقعی کرملیان است؛ دیگری محمد پائولو زمان فرنگی خان معروف براساس یکی از اسناد بایگانی (Progaganda Fide)، شاه صفی، او را برای آموختن زبان ایتالیایی به کرملیان سپرد و او که مورد توجه خاص شاه بود تا پیش از سال‌های ۱۶۴۰، چنان به این زبان تسلط یافت که حکایتی از زندگی سن توماس و نیز زندگی‌نامه سنت ماری لژیپ سی‌ین (Ste Marie Legyptienne) را برای شاه صفی به فارسی برگرداند که بسیار مورد توجه شاه قرار گرفت. محمد زمان، در ۱۶۴۱، غسل تعمید یافت و به هند مهاجرت کرد.

کرملی‌ها، در آغاز، به مأموریت خود در اصفهان بسیار امیدوار بودند. آنها درصدد بودند برای پیروزی مسلم علیه عثمانی‌ها، اتحاد مستحکمی با شاه عباس برقرار کنند. نیز، امید داشتند بتوانند شاه عباس را به مذهب کاتولیک معتقد گردانند

کرملیان در سال‌های ۳۰-۱۶۲۵ نخستین چاپخانه ایرانی را در اصفهان دایر کردند. برخی از کرملیان به‌عنوان زبان‌شناس شهرت یافتند. مانند کشیش باتازاد دوسن ماری، ایگناس دوژزو و یا آنژدوسن ژوزف؛ برخی به ترجمه اناجیل و اسفار کتاب مقدس پرداختند و برخی دیگر خطابه‌هایی به زبان فارسی نگاشتند. این گونه فعالیت‌ها پس از ۱۶۶۰ به ندرت مشاهده شدند. هیأت تبلیغی بیش از پیش به ارامنه توجه کردند و کشیش الیه دو سن آلبر، در پایان سده هجدهم، در جلفا اقامت کرد. کاپوفین‌های فرانسوی، که ریشیلیو آن‌ها را به مأموریت دوگانه سیاسی مذهبی به ایران فرستاده بود، در ۱۶۲۸ به اصفهان وارد شدند و نزدیک به صد و پنجاه سال در این شهر ماندند.

و پس از ۱۶۵۵ در تبریز منزل گرفتند. نخستین کشیش‌های اعزامی، کتاب‌هایی به زبان فارسی تألیف کردند که مورد استقبال

تعداد قابل توجهی از اسناد سیاسی، به ویژه نامه سران سیاسی یافت و معرفی شده است. این اسناد همه مربوط به هیأت‌های تبلیغی اعزامی به ایران است. با وجود موفقیت اندکی که این طرح‌های غیرواقعی برای اتحاد نظامی داشت، اغلب هیأت‌های نامبرده با گرمی در پایتخت صفویان، شیراز و تبریز پذیرفته می‌شدند

شاه بودند، پیدا شده است. در مورد کاپوفین‌های فرانسوی، تنها ترجمه نخستین فرمان، باقی مانده است. در حالی که در مورد یسوعیون تنها ترجمه دو فرمان و متن اصلی یک به دست آمده است فرمان به نظر می‌رسد این فرامین، همراه با فرمانی که برای ژنرال گاردان صادر شده است، مجموعه‌ای جالب توجه برای تاریخ‌نگاران خواهد بود.

در اینجا به ترتیب نام افرادی که فرمان بدان‌ها مربوط می‌شده است و نیز متن فرمان می‌آید:

یک

حکم جهان مطاع شد آنکه وزارت و رفعت پناه شمس‌الوزاره و الرفعه میرزا محمد وزیر دارالسلطنه اصفهان بدانند که پادریان فرانک از ما خانه که آب روان داشته باشد می‌خواهند، باید که دو خانه که در جوار یکدیگر که آب روان داشته باشد از خان‌های نویسنده‌ها بجهت ایشان خالی نمایند که چون بدانجا آیند در باب قدغن جای و در عهده شناسد تحریراً در شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۰۱۷

دو

هو

از قرار نوشته وزارت اقبال پناه عظمت و اجلال دستکاه عالیجاه توفیق ایالت اعتمادالدوله العلمیه العالیه الخاقانیه باشد.

روی سند

حضرت عیسی علیه‌السلام

[موضع مهر و خاتم خاقان خلداشیان شاه صفی انارالله

برهانه]

حکم جهانمطاع شد آنکه چون جماعت پادریان کوه کارمیلوی سفیدپوش فرستاد کان علیجناب سلطنت و شوکت و عظمت قبای مقدم و پیشوای پادشاهان عظیم‌القدر مسیحیه و بزرگ‌ترین فرمان‌روایان عالیشان عیسویه حضرت [...] از روی اخلاص در سایه مرحمت اقتاب تاثیر نواب همایون قادر دارالسلطنه اصفهان ساکن‌اند بنابراین مقرر فرمودیم که حکام کرام و وزراء و عمال دارالسلطنه مذکور چون ایشان مهمان سرکار خاصه شریفه‌اند در اعزاز و احترام و توقیر و اکرام ایشان و خود را معارف ندارند و مهم حسابی که داشته باشند در امداد حسابی ایشان تقصیری بنمایند و اگر محتاج بغرض بوده باشد

برخی محافل علمی پایتخت قرار گرفت. تعدادی از این کتاب‌ها باقی مانده است.

کاپوفین‌ها، علی‌رغم سیاست دوستی گاه‌به‌گاه فرانسوی‌ها با عثمانی‌ها، بود که فرانسوی‌ها گاه‌به‌گاه در پیش می‌گرفتند. آن‌ها می‌کوشیدند چنین بیاوراند که «نیرومندترین حاکم فرنگیان»، شاه فرانسه است.

یسوعیان که پس از سایر هیأت‌ها رسیده بودند، به محض ورود، به تبلیغ در میان ارمنیان پرداختند. نخستین اقدام آنان، در سال ۱۶۴۶-۷، ناکام ماند. یسوعیان تحت سرپرستی شاه لهستان، در سال ۱۶۵۳، در اصفهان مستقر شدند. هیأت یسوعی مستقر در ایران، علاوه بر رسالت خود در میان آرامنه، بیش‌تر به دنبال ایجاد منزلگاهی در مسیر خاور دور و مکانی برای دستیابی به چین از طریق آسیای میانه بود.

تعداد قابل توجهی از اسناد سیاسی، به ویژه نامه سران سیاسی یافت و معرفی شده است. این اسناد همه مربوط به هیأت‌های تبلیغی اعزامی به ایران است. با وجود موفقیت اندکی که این طرح‌های غیرواقعی برای اتحاد نظامی داشت، اغلب هیأت‌های نامبرده با گرمی در پایتخت صفویان، شیراز و تبریز پذیرفته می‌شدند؛ موقعیت دینی و لباس آنها، ویژگی خاصی بدیشان می‌بخشید. آنان سفیران مسیحیت و در عین حال پاپ به‌شمار می‌رفتند و یا فرستادگان پادشاه لهستان، فرانسه، پرتغال و غیره محسوب می‌شدند که خالی از دوگانگی نبود.

کسانی که مکاتباتی درباره ایران صفوی از خود باقی گذارده‌اند، بسیار مدیون اطلاعات دست اول این مسیحیان هستند. از این افراد کسانی که تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفته بودند، با برخی از عالمان ایرانی آن زمان، پیوند دوستی برقرار کرده بودند. آشنایی کنونی ما درباره ایران بسیار وام‌دار آنهاست.

در ادامه به معرفی متون و فرمان‌هایی که موفق به گردآوری آنها شده‌ایم، می‌پردازیم. این مدارک نشان‌دهنده رفتار رسمی شاه صفوی نسبت به مسیحیان فرنگی است که قصد اقامت در ایران را داشتند. آنان از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند: آزادی مطلق در رفت و آمد و گشت و گذار، در عبادت، دفاع از خود در برابر باج‌خواهی، حمایت حقوقی و معافیت از مالیات. تقریباً همه متون درباره کرم‌لیان که مورد توجه خاص

کسانی که مکاتباتی درباره ایران صفوی از خود باقی گذارده‌اند، بسیار مدیون اطلاعات دست اول این مسیحیان هستند. از این افراد کسانی که تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفته بودند، با برخی از عالمان ایرانی آن زمان، پیوند دوستی برقرار کرده بودند

غرض نموده در این باب قدغن دانند و در عهده شناسند حکم والا

۲۸ شهر محرم الحرام سنه ۱۰۳۷

سه

هو

پشت سند

اول از نوشته در ادب و اقبال پناه عظمت و اجلال در کاه عالیجاه توفیق انازی اعتمادالدوله الولیه العالیه الخاقانیه بر طبق رقم سابق شریف پادریان است.

[مهر محمد تقی با تاریخ ۱۰۲۸ هـ]

روی سند

[خاتم شاه عباس ثانی با تاریخ ۱۰۵۲ هـ]

حکم جهانمطاع شد آنکه چون حکم شریف نواب کیتی ستان علیین اسبان و رقم نواب فردوس جایگاه رضوان آرامگاه [در حاشیه: جد بزرگوارم طلب ثراه و جعل الجنه متواه شاه بابام انار الله برهانه] به تاریخ شهر رجب سنه ۱۰۳۹ در باب پادریان عظام فرنکستان که از جانب سلاطین عالیشان فرنکیه بدرگاه معلی آمد [و] شد منماند صادر کشته که از هر راه و هر طرف که می‌روند همگی حکام کرام و امراء ذوی الاحترام و داروغکان و عمال قلمرو همایون اعزاز و احترام جسمانی تمام به جای آورده به سلامت گذرانند و از هر راهی که روند هیچ آفریده مانع و مزاحم نشده گذارند که مرفه‌الحال روانه شوند و دقیقه از دقایق حرمت و عزت رسمی فرو گذاشت نکنند و درینولا پادریان پابرهنه کوه کرمیلو که از جانب علیجناب سلطنت و جلالتماب سرور سلاطین حشمت و نصف آئین فرنکیه مقدم و مقتدای تابغان ملت مسیحیه حضرت [در حاشیه: حضرت رهم پایا] آمده در دارالسلطنه اصفهان توطن دارند رقم نواب خاقان فردوس جایگاه را به نظر آورده استدعای امضاء نواب همایون که نمودند چون فیما بین حضرات پادشاهان عالیشان فرنکیه و این دودمان مقدس طریقه دوستی و محبت مرعی و مسلوک است و شفقت و مرحمت درباره فرستادگان ایشان خصوصاً پادریان منسوبان پادشاه والجاه مشارالیه درجهٔ اعلی دارد می‌باید به همان قاعده مقرر دانسته به هر طریق که در زمان نواب خاقان رضوان جایگاه عالی شان سلوک می‌نموده‌اند حالا نیز سلوک [جلیه‌ئی] نموده کمال عزت و حرمت چربی

بظهور آوردند و در عهده [شناسند] تحریراً

شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۰۵۲

چهار

هو

پشت سند

حسب الامر الاعلی برساله ایالت و شوکت پناه عالیجاه ایشیک الاقاسی باشی دیوان اعلی و حاکم الکای ری مصدر [موضع خاتم شریف خاقان خلد اشیان شاه سلیمان] حکم جهانمطاع شد آنکه چون از قدیم الزمان فیما بین نواب کامیاب همایون ما و پادشاه والجاه له روابط محبت و دوستی مشید و محکم است و درینوقت به عرض رسید که از حکام و غیرهم مراحت بیادریان سیاه‌پوش که منسوب بان پادشاه صاحب کلاهند رسیده توقعات می‌نمایند. بنابراین مقرر فرمودیم که بیکریبیکان و امراء عظام و حکام و وزراء کرام و عمال و مباشرین اشغال دیوانی ممالک محروسه به هیچ وجه من الوجوه بخلاف حساب متعرض احوال ایشان نشده طمع و توقعی ننمایند و نگذارند که از احدی به غیر حق تعدی و زیادتی بالجماعت واقع شود. پادریان مذکور هر گاه احدی زیادتی و خلاف حسابی و دست‌اندازی به ایشان کند مزبریا بیان عظام اعلی نمایند که آن چه نقضای عدالت باشد معمول و مرتب دارند و در باب قدغن قابل در عهده شناسند و از جوانب برین جمله روند.

تحریراً فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۱۰۱

پنج

روی سند

هو

حسب الامر اعلی

از قرار نوشته شرافت و فتوت و اقبال پناه عظمت و حشمت و اجلال دستگاه عالیجاهی وحید الزمانی اعتضاد السلطنه البهیه السلطنیه آصفجاهی اعتماد الدوله العلیه الولیه العالیه الخاقانیه [موضع مهر میرزا محمد طاهر]

[موضع مهر و خاتم شاه سلطان حسین انارالله برهانه]

حکم جهانمطاع شد آنکه چون رقم اعلی حضرت خاقان طوبی اشیان قدس مکان [در حاشیه: شاه بابام انارالله برهانه] که به تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۹۵ عز اصدار یافته

مضمون آنکه بیکلریبیگان عظام و امرا و حکام و وزراء و عمال بدانند که پادریان کرملیت سفیدپوش را مرخص فرموده‌ایم که در هر جا اراده داشته باشند توقف و توطن و با آئین خود به مراسم عبادی قیام و اقدام نمایند چون بر مضمون رقم اشرف مطلع کردند مانع و مزاحم ایشان نشده به هیچ وجه من الوجوه مزاحمت نرسانند و کزارند که در هر جا که خواهند توقف و توطن نموده مرفه الحال برسیم و آئین خود به عبادت و دعای دوام دولت بیزوال اشتغال نمایند و رعایت و مراقبت کنند و درین وقت پادری کن راد ایلچی پادشاهان فرنک استدعا نموده که امضاء شرف صادر و مقرر گردد که پادریان مزبور را احترام نموده احدی مانع تردد عیسویان نزد ایشان نکردد بنابراین مقرر فرمودیم که رقم مطاع مزبور را من اوله الی اخره درباره جماعت مزبور مضمی و منتقد داشته از مدلول و مضمون آن عدول و انحراف نورزند و پادریان مزبور را احترام نمایند و از فرموده تخلف نورزند و در عهده شناسند و حکم والا

ذیقعه الحرام سنه ۱۱۰۸

روی سند

هو

حسب الامر الاعلی

از قرار نوشته وزارت و شوکت و اقبال پناه حشمت و عظمت و الاجلال دستگاه مصاحب زیب قبه خورشید و عباب پادشاهی اعتقادالسلطنه البهیة السلطانیة اصفجاهی اعتمادالدوله العلیه العالیه

[محل مهر]

پشت سند

[موضع مهر مبارک اشرف]

فرمان همایون شرف نقاد یافت آنکه چون قبل از این که میکائیل ایلچی معتمد و معتبر از ولایت فرنسه بدرکاه جهان پناه آمده بود به تاریخ سنه [...] بر طبق استدعای مشارالیه عهدنامه همایون مشتمل بر بیست و نه فصل مرقوم گردید که ابدالهر فیما بین سلاطین طرفین مسند اول بوده خلاف آن از سپاهی و رعیت و تجار و سوداگران و سایر منسوبان جانبین به عمل بیاید و فصل بیست و پنجم عهدنامه مزبور باین شرح نوشته شده که از عهد سلاطین آباد و اجداد همایون انار برانهم که پادریان فرنگیان در ممالک محروسه می‌باشند در مراعات جانب ایشان ارقام مطاعه صادر شده و درین وقت نیز پادشاه والاجاه فرنسیه به وساطت ایلچی مزکور خواست رفاهیت ایشان نموده بنابراین مقرر فرمودیم که خلیفهها و پادریان فرنگی که در ممالک محروسه سکنی نمایند در مکان سکنی و خان‌های خود برسیم و آئین خویش به عبادت مشغول بوده احدی مانع و مزاحم نشود مشروط بر آنکه مرتکب امری که خلاف مذهب و طریقه اثنی عشری بوده باشد به حسب طاهر نکردد و در باب جمعی

از جماعت فرنگیان که در نخچوان و سایر ممالک محروسه می‌باشند احدی مخالفت ارقامی که به ایشان مرحمت شده عمل نموده مزاحمت نرساند و نیز مقرر فرمودیم که ارقامی که از سلاطین سلف دارند به امضای همایون رسد و اگر جماعت آرامنه بایشان ضرر و نقصانی رسانیده به خلاف حق و حساب متعرض احوال ایشان می‌شده باشند بعد از ثبوت و لزوم مبلغ پنجاه تومان بربری به جهت سرکار دیوان به صیغه ترجمان از ایشان باز یافت نمایند و پادریان کمرلتان و دومنیکان و جزویت و کپوچین و اکوستین و غیرهم در ولایت شیروان و قلمرو علیشکر و قریباغ و اذربایجان و اصفهان و تبریز و تفلیس و کنجه و ایروان و نخچوان و شیراز و بندرعباس و سایر ممالک محروسه در هر جا که خواسته باشند توقف نموده هر یک از آرامنه و عیسویان و اولاد ایشان که خواسته باشند نزد ایشان آمد و شد کرده و درس بخوانند و تعلیم بگیرند احدی مانع و مزاحم ایشان نکردد و جماعت مزبور اموات خود را در مقابری که بجهت دفن ایشان تعیین شده به طور و آئین خود دفن نموده احدی ممانعت نه نماید و شکوه و شکایت اشانرا مؤثر دانسته امداد و اعانت حسابی که لازم باشد به عمل آورند و اگر ظاهر شود که به خلاف حساب احدی به ایشان ستم و زیادتی نموده بود از تحقیق جریمه پا یافت نمایند و پیشه به عمل آورند و درین وقت عمده‌الاشیاء المسیحیه موسو دود کردن قونسل فرنسیه به عرض رسانید که جماعت آرامنه بقیود ارقامی که خود در لباس صادر نموده‌اند مستند شده مخالفت مضامین مسطوره فوق می‌نمایند و به همان دستور خواهش رفاهیت فرنگیان مزبور و استدعاء صدور حکم تأکید نمود که جماعت مذکوره مخالفت نتوانند کرد بنابراین مقرر فرمودیم که خلیفکان و کشیشان و سایر جماعت آرامنه مضامین عهدنامه مزبور را من اوله الی آخره معمول داشته از مخالفت آن احتراز و اجتناب لازم دانند و بهیچوجه من الوجوه مزاحمت و اندای و اضرار بحال پادریان و فرنگیان مزبور و جماعت کتلیکوس تبعه ایشان نرسانند و به ارقامی که خلیفکان و سایر جماعت آرامنه بتنقیص فصل مذکوره و سایر فصول عهدنامه مزبور صادر نموده باشند مستند نشده مخالفت عهدنامه نمایند و پادریان و فرنگیان بنحوی که در عهدنامه مزبور قید شده بحسب ظاهر مخالفت شرع انور نمایند.

تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۳۰

[در حاشیه نوشته: هو - مضامین معدلت آئین سواد مسطوره مطابق و موافق اصل اصیل رقم [...] مبارک اشرف است که بنده درکاه جهان پناه بملاحظه و امارت آن سرفراز فرونکاشته]

[محل خاتم میرزا محمد قلی غفرله]

پی‌نوشت:

۱. در زبان فارسی مانند زبان پرتغالی پادری خوانده می‌شوند.